بحران آب در گفت‌وگوی «جوان» با مدیرعامل شرکت فاضلاب شهر تهران

بسیاری از شهرهای مدرن دنیا فاضلاب تصفیه می‌نوشند تهران هم شاید روزی!

هزار لیتر آب را به قیمت یک بطری آب معدنی می‌دهیم

■ حسن فرامرزی

فاضلاب اگرچه در برابر آب نام خوشایندی ندارد، اما واقعیت آن است که امروز سرنوشت آب در دست‌های همین ماده‌ای است که ممکن است مشمئزکننده به نظر برسد. امروز به این آب کثیف در دنیا به چشم ماده‌ای ارزشمند نگاه می‌شود، چون بازچرخانی و تصفیه فاضلاب، فشار را از روی منابع آب به ویژه در اقلیم‌های خشک برمی‌دارد. متأسفانه با وجود اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد و میانگین بارش‌ها یک‌سوم بارش‌های جهانی است، اما ما بسیار دیر متوجه اهمیت بازچرخانی آب استفاده از آن در صنعت و کشاورزی شده‌ایم، با این حال در چند سال گذشته گام‌های خوبی در کشور به ویژه در تهران برای استفاده از این منابع تجدیدپذیر برداشته شده است. گفت‌وگوی ما با عباسعلی مصرزاده، مدیرعامل شرکت فاضلاب شهر تهران با این موضوع اختصاص دارد.

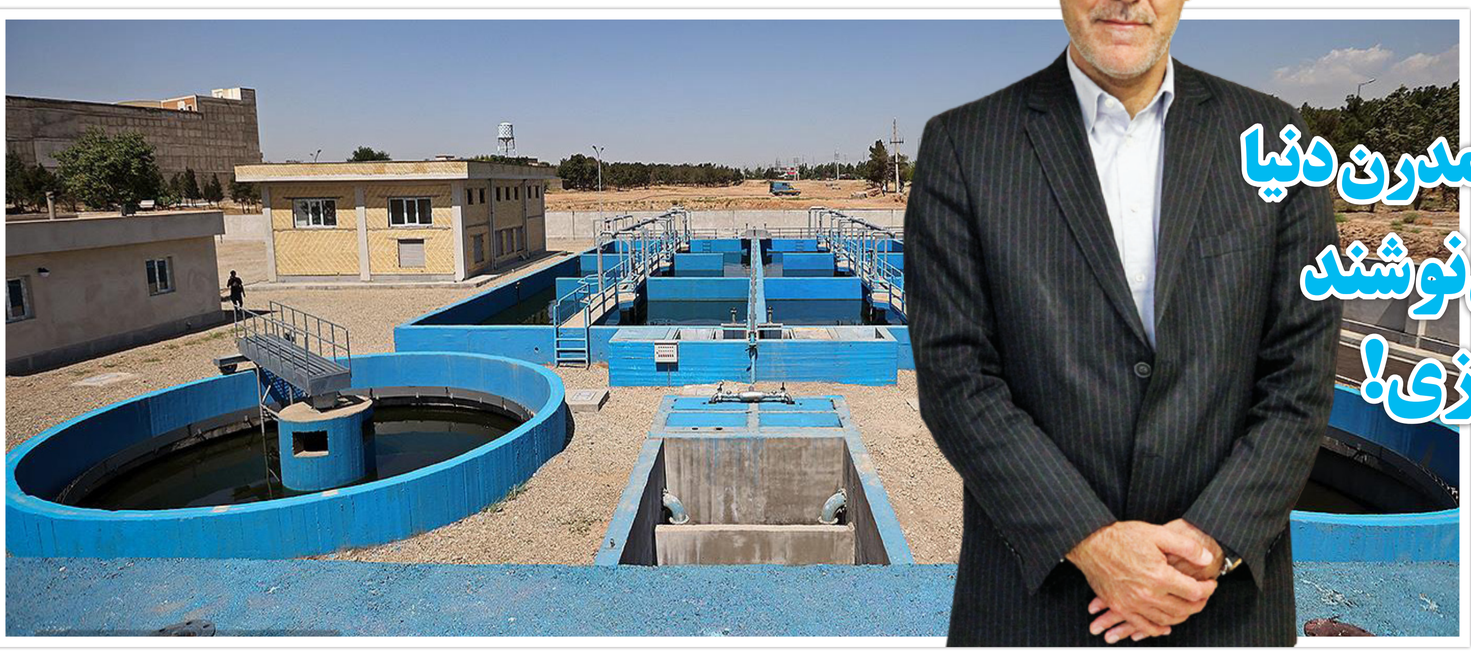

محمدرضا نوروزی/ آژانس عکاس ایران

چرا ما اولویت‌ها را به درستی حس نمی‌کنیم؟ مثلاً قبل از اینکه سازه‌های چشمگیر و برج‌های آنچنانی بسازیم، شبکه فاضلاب برای این شهر یک اولویت است، اما انگار مدیران شهری سال‌ها- احتمالاً برای اینکه دیده شوند- احساس می‌کردند پروژه‌های روی سطح بیشتر به چشم می‌آید تا مثلاً پروژه‌ای که بالقوهٔ فاضلاب آغازی می‌شود و بار و بتر بنا ندارد. چرا ما نمی‌توانیم دیدی داشته باشیم که اولویت‌ها در آب در دسرسی به چشم آید؟

۱۳۲۷ سالی بود که مطالعات آبرسانی به تهران آغاز شد. آن موقع شرکتی خارجی مطالعه می‌کند و در انتهای کار در گزارش رسمی خود به صورت مکتوب می‌نویسد: در منطقه‌ای از الموت قزوین تا فیروزکوه در ۵۰ - ۴۰ سال آینده جمعیت بیشتری ساکن خواهند شد، به این خاطر که ایران کشوری در حال توسعه است و امایش سرزمین ندارد، امایش یعنی مطالعات کلان، جامع و شناخت دقیق اولویت‌ها و برنامه‌ریزی صحیح بر اساس آن اولویت‌ها در این گزارش آمده بود: تعداد زیادی از ساکنان سایر نقاط ایران به خاطر موقعیت آب و هوایی به حاشیه این رشته کوه کوچ خواهند کرد و از ۱۳۲۷ تا الان ۷۵ سال می‌گذرد و امروز می‌بینید آن پیش‌بینی با ۲ - ۳ درصد اختلاف محقق شده است. کمااینکه اگر با همین منوال ادامه دهیم، برخی از نقاط ایران خالی از سکنه می‌شود و همه به یکسری از مناطق حاصلخیز هجوم می‌آورند و ریشه عمده این مهاجرت‌ها هم آب است، چون آب اقیانی ارادی و مایه حیات است. گاهی دیده‌اید که یکسری از کارخانجات و صنایع آببر در نقاطی احداث شده‌اند که دچار فقر آبی است خب به لحاظ منطقی ما نباید صنایع آببر را در جاهایی که کمبود آب دارند احداث کنیم و امروز یکی از مشکلات اصلی تهران آب است. ما قریباً آب همه حوضه‌های آبریز اطراف تهران برای این شهر آب می‌آوریم و هنوز هم پاسخگو نیست. این نکته خیلی اهمیت است که آب هنوز جایگزین زمین، یعنی کسی نتوانسته است جنس مصنوعی جایگزین آب را بسازد، بنابراین یکی از جایگزین ندارد، در هر نوع تصمیم‌گیری باید اولویت اول باشد. اگر امروز در توسعه شهر تهران و پذیرش جمعیت به این موضوع توجه ویژه نشود، قطعاً در آینده با نمی‌توانیم برای این جمعیت آب تأمین کنیم یا با هزینه‌های گزاف انتقال مواجه می‌شویم. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در منطقه‌ای پرآب قرار ندارد. سرانه بارندگی ایران در مقایسه با دنیا یک‌سوم و از آن طرف الگوی مصرف ما در مقایسه با میانگین دنیا تقریباً سه برابر است، یعنی در کشوری که آب ندارد، به طور پراکنده آب مصرف می‌کنیم، در حالی که منابع آب به شدت محدود است و اگر همینطور ادامه دهیم، در آینده اتفاقات فاجعه‌باری رقم خواهد خورد.

در گذشته تاریخی ما نوعی آگاهی اقلیمی وجود داشت، متلاً وقتی یزدی می‌رویدد، می‌بینیداز ۸۰۰ کیلومتر آن طرف تر با چه ظرافت و آگاهی‌ای قنات‌هایی را مطابق واقعیت‌های اقلیمی منطقه مهندسی کرده‌اند، اما امروز ما از این آگاهی اقلیمی دور افتاده‌ایم. انگار انسانی دانیم در کجا زندگی می‌کنیم. به نظر شما ریشه این بیگانگی کجاست؟

ما در آگاهی عمومی خوب عمل نکرده‌ایم. مسلماً مراقبت وابسته و متکی به آگاهی عمومی است. اگر مردم اطلاع داشته باشند که در این اقلیم منابع آب محدود است و این سرزمین را خانه خود بدانند که می‌دانند، در آن صورت به این شکل افسارگسیخته منابع ما خالی نمی‌شود و قطعاً با الگوی مصرف درست چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعت و خانگی همراهی می‌کنند، اما اگر این آگاهی شکل نگیرد، در آینده همین حداقل‌ها را هم نخواهیم داشت

واقعیت‌ها را باید اعلام کنیم و مردم باید بدانند این وضعیت منابع آبی در هر نقطه از ایران در چه شرایطی قرار دارد و کمک بخواهیم که مردم با ما همراهی کنند، چون هر جایی که مردم همراه بوده‌اند، مسئولان موفق‌تر عمل کرده‌اند یا از نگاه مردم مورد قضاوت قرار گیریم

چرا ما در دشواری‌ها به مردم نمی‌گوییم که ما در این اقلیم هستیم و با یک دید امنیتی نگاه کرده‌ایم و ترسیده‌ایم که جامعه آشفته شود. چرا واقعیت‌های آب را به مردم منتقل نمی‌کنیم؟

ما برخی مواقع بحث نگران‌کننده را مطرح نمی‌کنیم، چون می‌پندارید مردم ممکن است به جای مراقبت بیشتر به سمت انتقاد از مسئولان بروند. نگرانی از این حیث است که اگر ما امروز اعلام کنیم شرایط خوب نیست، می‌گویند از گذشته خوب عمل نشده و عملکرد شما مثبت نبوده است و این رویکرد مورد نقد قرار گیرد، اما به نظرم ما باید واقعیات را اعلام کنیم و مردم باید بدانند آن وضعیت منابع آبی در هر نقطه از ایران در چه شرایطی قرار دارد و کمک بخواهیم که مردم با ما همراهی کنند، چون هر جایی که مردم همراه بوده‌اند، مسئولان موفق‌تر عمل کرده‌اند. به عنوان یک شرکت خدمات‌رسان، خادم مردم هستیم. ما برای مردم کار می‌کنیم. طبیعتاً اینکه خوب باید کار می‌کنیم، بیدار نگاه مردم بود. فضای فرار گیریم و مردم هم بدانند که مشکلات ما چیست و تنگناها کجاست باز آنها چه انتظاراتی دارند. قطعاً این نگرش می‌تواند در پیشرفت و موفقیت شرکت ما تأثیرگذار باشد.

الان چند سالی است خوشبختانه بازچرخانی آب در ایران مورد توجه قرار گرفته و طبیعتاً شرکت شما متولی این امر مهم در تهران است. در این باره بیشتر توضیح می‌دهید.

بازچرخانی آب در دنیا سال‌هاست انجام می‌شود، حتی در کشورهایی که سرانه آبی آنها چند برابر ماست، بازچرخانی آب را خیلی جدی‌تر از دنیال می‌کنند. بالاخره وقتی شما آب را تبدیل به کالای یک‌بار مصرف کردید و بعد از یک بار مصرف و استفاده دور انداختید، این کالا هدر خواهد رفت. شما باید منابع آبی خیلی زیادی داشته باشید که اینطور با آن رفتار کنید

بازچرخانی آب در دنیا سال‌هاست اجرا می‌شود، حتی در کشورهایی که سرانه آبی آنها چند برابر ماست، بازچرخانی آب را خیلی جدی‌تر از ما دنبال می‌کنند. بالاخره وقتی شما آب را تبدیل به کالای یک‌بار مصرف کردید و بعد از یک بار مصرف و استفاده دور انداختید، این کالا هدر خواهد رفت. شما باید منابع آبی خیلی زیادی داشته باشید که اینطور با آن رفتار کنید

چقدر به زمین نیاز داریم؟

چقدر به زمین نیاز داریم. وقتی به سایت سرزمین اشاره می‌کنم، قطعاً در یک شهر پیشرفته کاربری‌های عمده‌ای از آب‌شربی که مردم، چه در شهرها و چه در روستاها مصرف می‌کنند، می‌تواند مجدداً تصفیه و بازچرخانی در مصارف متعددی مثل کشاورزی، آبیاری فضای سبز، تغذیه آبخوان‌ها و مصارف صنعتی دوباره استفاده شود. اگر بازچرخانی درست انتقال بیفتد، همین میزان آب محدود را می‌توانیم برای مدت طولانی استفاده کنیم.

ما چقدر از ظرفیت بازچرخانی در تهران استفاده می‌کنیم؟

در تهران همزمان با بحث مطالعات آب - ۱۳۲۷ - اجرای فاضلاب شهر هم مطرح بوده، هم با بخش عمرانی سازمان ملل و هم با سازمان جهانی بهداشت. ولی مطالعات طولانی شده و هم به خاطر کمبود منابع مالی و هم اینکه جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب در مقایسه با آب در اولویت‌های بعدی بود، این داستان طول کشید تا سال ۱۳۷۴. عملاً از این سال اجرای طرح فاضلاب در شهر تهران آغاز شد.

یعنی نیم قرن طول کشید؟

بله. این همان کاری است که در بعضی کشورها و شهرها همزمان با ساخت و توسعه شهرها فراهم می‌شود، اما ما از سال ۱۳۷۴ در تهران آغاز کردیم. طبیعی است وقتی مردم ساکن شهر شده‌اند، نمی‌شود به این راحتی با ماشین آلات و بیل مکانیکی و فارغ بال کار کرد، بنابراین از روز اول حفاری و لوله‌گذاری در شهر تهران، حفاری نفس نمی‌کشد و همین امروز شما جلوی مجموعه خودتان حفاری نفسی را می‌بینید، یعنی کار با صعوبت بالا و در زمان بیشتر انجام می‌شود، به خاطر اینکه هم تأسیسات زیادی زیر زمین است و در حفاری دستی امکان خسارت به این تأسیسات کمتر می‌شود و هم اینکه در شرایط فنی ما خاک کمتری را روی سطح می‌آوریم و مراحمت کمتری ایجاد می‌کنیم و قطعاً تسرع‌ها اجرای پروژه پایین می‌آید. برخی پیمانکاران و مشاوران ما کارین‌المللی هم می‌کنند. چند وقت پیش مشاور ما می‌گفت. در یک مناقصه بین‌المللی شرکاء کار در تهران را در زمومه نوشته بودم که من در یک شهر ۸/۵ میلیون نفری - جمعیت آن روز پایتخت - کاری می‌کنم با این تراکم جمعیت، این حجم از ترافیک و اینفلتر تأسیسات زیرسطحی می‌گفت مجموعه‌ای که ما قرار بود پروژه‌ای را اجرا کنیم، فکر کرد بعد ما فراغ وارد کار شده‌ایم. با دروغ گفته‌ایم، بعد ما را خواستند و گفتند این ادعاها که در زومه نوشته‌اید، جدی است؟ گفتیم: یعنی چه جدی است؟ گفتند مگر می‌شود به این شکل و با این شرایط کار کرد؟ مستندات و تصاویر را ارائه کردیم. پیمانکارها می‌گفت، ما در آن رقابت بین‌المللی بالاترین امتیاز فنی را آورده‌بود، چون قاعدتاً زیرساخت‌های شهری اولی باید اجرا شود. قرار نیست که ما یک شهر بالین ابعاد و احجام را سازیم و امروز شروع به حفاری و گرفتاری‌ها متعددی ایجاد کنیم. اگر باشد، ما در زیر زمین با چه مشکلاتی برخورد می‌کنیم، با ما همدلانه‌تر رفتار خواهید کرد خب واقعاً کمتر کلاشهری مشابه شهر تهران در دنیا را می‌بینید که هم‌زمانی از زیرساختن ایجاد نشده است. شبکه جمع‌آوری فاضلاب یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های هر شهر است اما متأسفانه سال‌ها از آن غفلت کرده‌ایم.

پروژه شبکه جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب تهران چقدر جلو رفته است؟

از سال ۱۳۷۴ تا الان تقریباً ۹۰ درصد لوله‌گذاری فاضلاب در شهر تهران اجرا شده است.

یعنی چقدر؟

حدود ۷هزار و ۵۰۰ کیلومتر از کل ۷هزار و ۲۰۰ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب و کار لوله‌گذاری به جز بخشی از مناطق ۲ و ۲۱، مستقیماً به غرب تهران و بخش‌هایی از مرکز شهر مثل مناطق ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲ که جزو بافت برتر آکم شهر هستند، در مابقی مناطق کار لوله‌گذاری تمام شده است و پیش‌بینی می‌شود حداکثر تا سه چهار سال آینده لوله‌گذاری‌ها تمام شود.

و تصفیه خانه‌ها؟

ساخت تصفیه‌خانه‌ها قدری عقب افتاده است. به خاطر اینکه ساخت تصفیه‌خانه نیاز به زمین دارد و امروز در شهر تهران یکی از چالش‌ها پیدا کردن زمین در ابعاد بزرگ‌تر برای اجرای زیرساخت است.

چقدر به زمین نیاز داریم؟

برای ساخت هر تصفیه‌خانه حداقل به ۱۰ هکتار زمین نیاز داریم. وقتی به آمایش سرزمین اشاره می‌کنم، قطعاً در یک شهر پیشرفته کاربری‌های شهری باید برای تمامی تأسیسات زیربنایی آن شهر از جمله تأسیسات فاضلاب، آب، برق، مخابرات و گاز پیش‌بینی و کاربری‌اش در آنجا لحاظ شود و دفترهای برای آن دستگاه خدمات‌رسان وجود نداشته باشد، اما ما در ایران مدیریت جامع شهری نداریم. این مسئله باعث شده ما در ساخت تصفیه‌خانه‌ها جلوتر از نیازهای فرآیانی رویه و بتنیم و توفیقات‌مان کمرنگ‌تر شد. البته اتفاقی که افتاد این بود که ساخت این تصفیه‌خانه‌ها از داخل شهر تهران بیرون رفت. تصفیه‌خانه فاضلاب تهران، پایین‌تر از اتوبان آویزی - منتهاالیه تهران - در دشت‌ری واقع است و فاضلاب ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شهر تهران، عمدتاً پهنه شرق، شمال، جنوب و جنوب شرق تهران به این تصفیه‌خانه وارد می‌شود و فاضلاب تصفیه‌شده به مصرف کشاورزی در دشت ورامین اختصاص پیدا می‌کند.

اگر چه چالش‌ها سر جای خودشان است و به قول شما آن بحث آمایش به عنوان اولویت مهم یک شهر اتفاق نیفتاده و این سال‌ها مدیریت شهری ما روزمره، ظاهرگرا بودن برنامه جامع عمل کرده است، اما از آن طرف هم که نگاه می‌کنیم، طرح بزرگی اجرا شده است. چرا ما نمی‌توانیم این واقعیت را به دیگری منتقل کنیم؟

نکته جالب این است که سازه‌ها و تأسیسات همین ۷هزار و ۵۰۰ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب، اعماق زیر زمین دفن می‌شود و شما روی زمین هیچ چیزی نمی‌بینید. ما در بخش‌هایی از خطوط اصلی و انتقال‌مان - تقریباً سر هم تقاطع - سازه‌هایی را در زیر زمین ایجاد می‌کنیم که معادل یک ساختمان شش طبقه است، یعنی ما سر هم چهارپاره یک ساختمان شش طبقه دفن کرده‌ایم. اگر این ساختمان شش طبقه روی زمین بیاید و همه اینها یا یک آرم و رنگ مشخص ظاهر شود، شما در سطح شهر که حرکت کنید، حضور این ساختمان‌ها ناخواسته جلب توجه خواهد کرد. حالا این ساختمان‌ها زیر زمین دفن می‌شود. ما با توجه به بعد جمعیتی و بزرگی تهران تقریباً ۲۰ کیلومتر تونل فاضلاب داریم که اگر این تونل خالی باشد، در داخل این تونل ها ماشین می‌توانند تردد کنند. این تونل‌های بتنی ۱۲۰ متر هل‌مان کار که در حفاری مکانیزه انجام می‌شود- حفاری شده است. اگر حجم بتن و میلگردی را که برای ساخت این تونل استفاده شده است، معادل کلید با یکسری ساختمان‌های ۶ یا ۷ طبقه دیده می‌شود، چندین برج بزرگ‌تر از برج میلاد وسعت و عظمت خواهد داشت. جالب است که بدانید ما سال ۲۰۱۵ برای اولین بار در تاریخ ایران با معرفی همین پروژه توانستیم در بنیاد جهانی انرژی -زیر مجموعه سازمان ملل- جایزه جهانی انرژی را بگیریم.

مجاز جایزه چه بود؟

وسعت و بزرگی پروژه و سختی‌هایی که در مسیر ساخت وجود داشت و البته رسالت زیست‌محیطی آن ما فاضلاب را از جلوی خانه مردم جمع، با خطوط منتقل و تصفیه می‌کنیم و آنچه مایه آلودگی بوده است، تصفیه و بازچرخانی به یک محصول استاندارد می‌کنیم. این آب دوباره به چرخه طبیعت برمی‌گردد و دوباره از آن استفاده و باعث ایجاد اشتغال می‌شود و به مسئولان وجود بحث زیست کمک می‌کند. این پروژه جزو پروژه‌های زیست‌محیطی بزرگ کشور است. اما در بحث اطلاع‌رسانی خوب عمل نشده است. بر خلاف برخی جاها که کار نکرده را با هزار گمانه‌ی خوب جلوه داده‌اند، چون مجموعه ما دستگاه خدمات‌رسان است، در بعد اطلاع‌رسانی خوب کار نکرده‌ایم. یعنی بعد از اینجاه در دهه‌ی اول و دهه‌ی دوم شرکت دیگری در یک سال آن را یک زمین برداشت می‌کنیم، به مراتب کیفیت بهتری می‌کند. ما هنوز یاد تگرفته‌ایم به درستی و جامع کار تیمی را تمرین و عمل کنیم. همین نشست مشترک امروز ما باهم بسیر می‌گردد به اینکه ما این ایده را داشتیم که وقتی جلوی خانه‌های مردم حفاری می‌کنیم، قطعاً ما حق داریم مزاحمتی ایجاد کنیم، اما مراحمت را به حداقل برسانیم. این مسئله باعث شده ما در ساخت تصفیه‌خانه‌ها جلوتر نیازهای فرآیانی رویه و بتنیم و توفیقات‌مان کمرنگ‌تر شد. البته اتفاقی که افتاد این بود که ساخت این تصفیه‌خانه‌ها از داخل شهر تهران بیرون رفت. تصفیه‌خانه فاضلاب تهران، پایین‌تر از اتوبان آویزی - منتهاالیه تهران - در دشت‌ری واقع است و فاضلاب ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شهر تهران، عمدتاً پهنه شرق، شمال، جنوب و جنوب شرق تهران به این تصفیه‌خانه وارد می‌شود و فاضلاب تصفیه‌شده به مصرف کشاورزی در دشت ورامین اختصاص پیدا می‌کند.

اگر چه چالش‌ها سر جای خودشان است و به قول شما آن بحث آمایش به عنوان اولویت مهم یک شهر اتفاق نیفتاده و این سال‌ها مدیریت شهری ما روزمره، ظاهرگرا بودن برنامه جامع عمل کرده است، اما از آن طرف هم که نگاه می‌کنیم، طرح بزرگی اجرا شده است. چرا ما نمی‌توانیم این واقعیت را به دیگری منتقل کنیم؟

ما در آگاهی عمومی خوب عمل نکرده‌ایم. مسلماً مراقبت وابسته و متکی به آگاهی عمومی است. اگر مردم اطلاع داشته باشند که در این اقلیم منابع آب محدود است و این سرزمین را خانه خود بدانند که می‌دانند، در آن صورت به این شکل افسارگسیخته منابع ما خالی نمی‌شود و قطعاً با الگوی مصرف درست چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعت و خانگی همراهی می‌کنند، اما اگر این آگاهی شکل نگیرد، در آینده همین حداقل‌ها را هم نخواهیم داشت.

چرا ما در دشواری‌ها به مردم نمی‌گوییم که ما در این اقلیم هستیم و با یک دید امنیتی نگاه کرده‌ایم و ترسیده‌ایم که جامعه آشفته شود. چرا واقعیت‌های آب را به مردم منتقل نمی‌کنیم؟

ما برخی مواقع بحث نگران‌کننده را مطرح نمی‌کنیم، چون می‌پندارید مردم ممکن است به جای مراقبت بیشتر به سمت انتقاد از مسئولان بروند. نگرانی از این حیث است که اگر ما امروز اعلام کنیم شرایط خوب نیست، می‌گویند از گذشته خوب عمل نشده و عملکرد شما مثبت نبوده است و این رویکرد مورد نقد قرار گیرد، اما به نظرم ما باید واقعیات را اعلام کنیم و مردم باید بدانند آن وضعیت منابع آبی در هر نقطه از ایران در چه شرایطی قرار دارد و کمک بخواهیم که مردم با ما همراهی کنند، چون هر جایی که مردم همراه بوده‌اند، مسئولان موفق‌تر عمل کرده‌اند. بالاخره ما به عنوان یک شرکت خدمات‌رسان، خادم مردم هستیم. ما برای مردم کار می‌کنیم. طبیعتاً اینکه خوب باید کار می‌کنیم، بیدارنگاه مردم بود. فضای فرار گیریم و مردم هم بدانند که مشکلات ما چیست و تنگناها کجاست باز آنها چه انتظاراتی دارند. قطعاً این نگرش می‌تواند در پیشرفت و موفقیت شرکت ما تأثیرگذار باشد.

الان چند سالی است خوشبختانه بازچرخانی آب در ایران مورد توجه قرار گرفته و طبیعتاً شرکت شما متولی این امر مهم در تهران است. در این باره بیشتر توضیح می‌دهید.

بازچرخانی آب در دنیا سال‌هاست انجام می‌شود، حتی در کشورهایی که سرانه آبی آنها چند برابر ماست، بازچرخانی آب را خیلی جدی‌تر از ما دنبال می‌کنند. بالاخره وقتی شما آب را تبدیل به کالای یک‌بار مصرف کردید و بعد از یک بار مصرف و استفاده دور انداختید، این کالا هدر خواهد رفت. شما باید منابع آبی خیلی زیادی داشته باشید که اینطور با آن رفتار کنید و طبیعی است بازچرخانی یکی از کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین موضوعاتی است که در این شرایط باید به آن توجه شود. خب بخش بهداشت، سازمان محیط زیست و شرکت‌های آب و فاضلاب هم به من دادند. از طرفی آب یک آب کالا به دشت رودها کریم، شهر بار و غرب تهران می‌رفته است. ما سال گذشته تقریباً ۵۰ حلقه از این چاه‌ها را که کیفیت بهتری داشتند، برای تأمین بخشی از آب شرب تهران به شبکه توزیع پهنه بندی برگردانیم و به ازای آن به کشاورزان آن محدوده، منابعی از پساب تصفیه‌شده تصفیه‌خانه غرب تهران اختصاص دادیم. خب ببینید که در این سال‌ها چه اتفاقی افتاده است. ما زمانی این چاه‌ها را با هدف زهکشی حفر کرده بودیم و کنال ایجاد شده بود، چون عملاً ۷۰ کیلومتر به قدری به کانال‌ها توجه نداشتند. ما زمانی مزاحمت می‌کردیم که ما در مزاحمت تأمین کننده آب تهران استفاده می‌شد.

این واقعیت‌ها و بحران‌ها چقدر به مدیران بالادستی منتقل می‌شود؟ چون بخشی از آسودگی ذهنی مدیران بالادستی معطوف به این است که در پایین دست مسائل حل شده باشد. اگر بحران آب در تهران بالا بگیرد، مثلاً ذهن رئیس جمهور که باید معطوف به روابط بین‌الملل باشد، باید به آب معطوف شود. منظورم این است که وقتی مقامات بالادستی درباره این واقعیت‌ها ذهن روشنی داشته باشند، در تخصیص منابع هم همکاری بهتری خواهند داشت.

در این دولت خوشبختانه در تأمین منابع مالی اتفاقات بهتری نسبت به گذشته افتاده است. بهمن ماه سال گذشته، رئیس جمهور بازدیدی از تکمیل این تصفیه‌خانه که جزو مصوبات سفر رئیس جمهور قلمداد شد، منجر شد و الحمدلله اعتبارات خوبی را هم دادند. در مجلس هم برای اولین بار بعد از انقلاب در قانون بودجه ۱۴۰۲ استفاده از اعمال حاصل از تصفیه فاضلاب برای بخش صنعت اجباری شده است، یعنی قانونگذار تکلیف کرد جایی که پساب وجود دارد، استفاده از سوابع آبی مثل تصفه، قنات، چاه و سایر منابع ممنوع است و صنعتگر باید از آب بخش تصفیه‌شده استفاده کند.

صنایع ما در حال حاضر چقدر در استفاده از آب‌های تصفیه‌شده با کیفیت رغبت نشان می‌دهند؟

قطعاً نیاز مقاومتی وجود دارد. ما نیاز به کمک رسانه‌ها داریم اینکه عرض می‌کنم استفاده از آب‌های تصفیه‌شده باید به یک فرهنگ بدل شود. به خاطر همین است. فرض کنید در کارخانه شما از کشت چشمه، قنات یا چاهی بوده است و از آن استفاده می‌کردید. امروز کسی به شما اعلام می‌کند که وضعیت منابع آب خوب نیست و شما باید چاه را بپلمب کنید یا حق استفاده از آن آب را ندارید، به این شکل آب برای شما می‌آورم که پساب تصفیه‌شده فاضلاب است. خب شما می‌گویید آب تمیز و مباحی که می‌توانستم با آن وضو بگیرم، حتی قابلیت شرب داشت، این آب را از من می‌خواهید بگیرید و چنین آبی به من بدهید؟

شما می‌گویید اینجا بحث‌های روانی و مقاومت‌های ذهنی در کار است.

رسانه می‌تواند کمک کند تا این مقاومت بشکند، چون همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم و اگر جایی از این کشتی سوراخ شود، همه ما باهم غرق می‌شویم و کسی نمی‌تواند نجات پیدا کند. ما باید در شرایط فعلی و با کمی تأخیر بتوانیم با کمک رسانه‌ها فضا را مدیریت کنیم. الحمدلله قانونگذار پیش‌بینی و تکالیف سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده است، اما رعایت آن هم باشد که ما در همگرایی با همدیگر مثل اعضای یک تیم عمل کنیم که پست بازی متفاوتی دارند، ولی در نهایت کنار هم برای یک هدف می‌جنگند، اما گاهی سازمان‌های ما سعی می‌کنند در محدوده خودشان جزیره‌ای عمل کنند.

یعنی هر سازمانی می‌خواهد از چشم منافع خود به این داستان نگاه کند.

ممکن است آن فرد در حیطه سازمانی خود خوب کار کند. الان فرض کنید شهرداری در همان کوچه شما به من اجازه حفاری نمی‌دهد. چرا؟ چون می‌گوید وقتی شما حفاری می‌کنید، آسفالت خراب می‌شود. شما حفاری می‌کنید، گرد و خاک می‌کنید و شهر از آن حالت تمیز خارج می‌شود. اگر به من اجازه ندهد به صرف اینکه شهر تمیز و پاک می‌خواهد، به زعم آن دستگاه کار درستی صورت گرفته است، اما تا زمانی که به من اجازه ندهد و من نتوانم زیرساخت را اجرا کنم، عملاً شهر را در بلندمدت دچار مخاطره کرده است.

در واقع گاهی ما ضرورت بزرگ‌تر را حس نمی‌کنیم.

آیا اجرای طرح فاضلاب در کلانشهر تهران جزو اولویت‌های این شهر است یا نه؟ اگر اولویت نیست عواقب این اولویت ندانستن چیست. اگر نیست همه بدانند شبکه فاضلاب، اجرا نشود. خاک و منابع آب زیرزمینی را آلوده می‌کنیم، بنابراین برای استفاده کشاورز، صنعتگر یا آبیاری فضای سبز مجبوریم از منابع محدود آب زیرزمینی برداشت کنیم.

برخی معتقدند قیمت آب در ایران غیرواقعی است و به قولی قیمت آب ارزان است و بخشی از علت این مصرف بالای سرانه که سه برابر میانگین جهانی است، برمی‌گردد به قیمت آب. دیدگاه شما نسبت به واقعی کردن قیمت آب چیست؟ البته با توجه به جمیع شرایط و تنش‌ها، از جمله شرایط رکود و تورمی که در اقتصاد کشور وجود دارد.

امروز یک بطری آب معدنی یک لیتری از مغازه بخرید، چقدر پرداخت می‌کنید؟

۷هزار تومان.

ما هزار لیتر آب را با همین قیمت می‌دهیم! آن هم در حالی که کیفیت آب تهران از گذشته با توجه به موقعیت مکانی پایتخت، جزو آب‌های برتر دنیاست. کیفیت آب در کره زمین تابع و متأثر از بافت خاک آن محل است. شما به هزار لیتر آب معادل یک لیتر آب معدنی پول می‌دهید. بعاد مسئولیت آبی که در شبکه توزیع ارائه می‌شود، بر عهده حاکمیت است و کلی دستگاه نظارتی و کنترلی مراقبت می‌کنند، از جمله وزارت بهداشت، سازمان محیط زیست و شرکت‌های آب و فاضلاب هم به من دادند. از طرفی آب یک آب کالا به دشت رودها کریم، شهر بار و غرب تهران می‌رفته است. ما سال گذشته تقریباً ۵۰ حلقه از این چاه‌ها را که کیفیت بهتری داشتند، برای تأمین بخشی از آب شرب تهران به شبکه توزیع پهنه‌بندی برگردانیم و به ازای آن به کشاورزان آن محدوده، منابعی از پساب تصفیه‌شده تصفیه‌خانه غرب تهران اختصاص دادیم. خب ببینید که در این سال‌ها چه اتفاقی افتاده است. ما زمانی این چاه‌ها را با هدف زهکشی حفر کرده بودیم و کنال ایجاد شده بود، چون عملاً ۷۰ کیلومتر به قدری به کانال‌ها توجه نداشتند. ما زمانی مزاحمت می‌کردیم که ما در مزاحمت تأمین کننده آب تهران استفاده می‌شد.

این واقعیت‌ها و بحران‌ها چقدر به مدیران بالادستی منتقل می‌شود؟ چون بخشی از آسودگی ذهنی مدیران بالادستی معطوف به این است که در پایین دست مسائل حل شده باشد. اگر بحران آب در تهران بالا بگیرد، مثلاً ذهن رئیس جمهور که باید معطوف به روابط بین‌الملل باشد، باید به آب معطوف شود. منظورم این است که وقتی مقامات بالادستی درباره این واقعیت‌ها ذهن روشنی داشته باشند، در تخصیص منابع هم همکاری بهتری خواهند داشت.

در این دولت خوشبختانه در تأمین منابع مالی اتفاقات بهتری نسبت به گذشته افتاده است. بهمن ماه سال گذشته، رئیس جمهور بازدیدی از تکمیل این تصفیه‌خانه که جزو مصوبات سفر رئیس جمهور قلمداد شد، منجر شد و الحمدلله اعتبارات خوبی را هم دادند. در مجلس هم برای اولین بار بعد از انقلاب در قانون بودجه ۱۴۰۲ استفاده از اعمال حاصل از تصفیه فاضلاب برای بخش صنعت اجباری شده است، یعنی قانونگذار تکلیف کرد جایی که پساب وجود دارد، استفاده از سوابع آبی مثل تصفه، قنات، چاه و سایر منابع ممنوع است و صنعتگر باید از آب بخش تصفیه‌شده استفاده کند.

صنایع ما در حال حاضر چقدر در استفاده از آب‌های تصفیه‌شده با کیفیت رغبت نشان می‌دهند؟

قطعاً نیاز مقاومتی وجود دارد. ما نیاز به کمک رسانه‌ها داریم اینکه عرض می‌کنم استفاده از آب‌های تصفیه‌شده باید به یک فرهنگ بدل شود. به خاطر همین است. فرض کنید در کارخانه شما از کشت چشمه، قنات یا چاهی بوده است و از آن استفاده می‌کردید. امروز کسی به شما اعلام می‌کند که وضعیت منابع آب خوب نیست و شما باید چاه را بپلمب کنید یا حق استفاده از آن آب را ندارید، به این شکل آب برای شما می‌آورم که پساب تصفیه‌شده فاضلاب است. خب شما می‌گویید آب تمیز و مباحی که می‌توانستم با آن وضو بگیرم، حتی قابلیت شرب داشت، این آب را از من می‌خواهید بگیرید و چنین آبی به من بدهید؟

شما می‌گویید اینجا بحث‌های روانی و مقاومت‌های ذهنی در کار است.

رسانه می‌تواند کمک کند تا این مقاومت بشکند، چون همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم و اگر جایی از این کشتی سوراخ شود، همه ما باهم غرق می‌شویم و کسی نمی‌تواند نجات پیدا کند. ما باید در شرایط فعلی و با کمی تأخیر بتوانیم با کمک رسانه‌ها فضا را مدیریت کنیم. الحمدلله قانونگذار پیش‌بینی و تکالیف سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده است، اما رعایت آن هم باشد که ما در همگرایی با همدیگر مثل اعضای یک تیم عمل کنیم که پست بازی متفاوتی دارند، ولی در نهایت کنار هم برای یک هدف می‌جنگند، اما گاهی سازمان‌های ما سعی می‌کنند در محدوده خودشان جزیره‌ای عمل کنند.

یعنی هر سازمانی می‌خواهد از چشم منافع خود به این داستان نگاه کند.

ممکن است آن فرد در حیطه سازمانی خود خوب کار کند. الان فرض کنید شهرداری در همان کوچه شما به من اجازه حفاری نمی‌دهد. چرا؟ چون می‌گوید وقتی شما حفاری می‌کنید، آسفالت خراب می‌شود. شما حفاری می‌کنید، گرد و خاک می‌کنید و شهر از آن حالت تمیز خارج می‌شود. اگر به من اجازه ندهد به صرف اینکه شهر تمیز و پاک می‌خواهد، به زعم آن دستگاه کار درستی صورت گرفته است، اما تا زمانی که به من اجازه ندهد و من نتوانم زیرساخت را اجرا کنم، عملاً شهر را در بلندمدت دچار مخاطره کرده است.

در واقع گاهی ما ضرورت بزرگ‌تر را حس نمی‌کنیم.

آیا اجرای طرح فاضلاب در کلانشهر تهران جزو اولویت‌های این شهر است یا نه؟ اگر اولویت نیست عواقب این اولویت ندانستن چیست. اگر نیست همه بدانند شبکه فاضلاب، اجرا نشود. خاک و منابع آب زیرزمینی را آلوده می‌کنیم، بنابراین برای استفاده کشاورز، صنعتگر یا آبیاری فضای سبز مجبوریم از منابع محدود آب زیرزمینی برداشت کنیم.

برخی معتقدند قیمت آب در ایران غیرواقعی است و به قولی قیمت آب ارزان است و بخشی از علت این مصرف بالای سرانه که سه برابر میانگین جهانی است، برمی‌گردد به قیمت آب. دیدگاه شما نسبت به واقعی کردن قیمت آب چیست؟ البته با توجه به جمیع شرایط و تنش‌ها، از جمله شرایط رکود و تورمی که در اقتصاد کشور وجود دارد.

امروز یک بطری آب معدنی یک لیتری از مغازه بخرید، چقدر پرداخت می‌کنید؟

۷هزار تومان.

ما هزار لیتر آب را با همین قیمت می‌دهیم! آن هم در حالی که کیفیت آب تهران از گذشته با توجه به موقعیت مکانی پایتخت، جزو آب‌های برتر دنیاست. کیفیت آب در کره زمین تابع و متأثر از بافت خاک آن محل است. شما به هزار لیتر آب معادل یک لیتر آب معدنی پول می‌دهید. بعاد مسئولیت آ